

و هم رافع از حیث هر دو است ۵۲  
 بلکه بنا بر احوط آبیکه استعمال  
 میشود در رفع حدث اکبر  
 نیز چنین است سر آبی ظاهر  
 شود هرگاه مشبه بجنین آبی رافع  
 است ۷ است حدث و خبث هفت اینج  
 مگر شبهه محصوره باشد رافع  
 هیچ بیک نیست مگر آنکه خبث  
 هر یک اندوآب مشبه بشود  
 سر اگر مشبه شود آب <sup>مطلوبه</sup> بضاف  
 رافع حدث و خبث هفت طایفه  
 حج رافع نیست مگر آنکه مکرر  
 کند عمل هر یک از آن دو  
 اگر مشبه شود تب علاج با  
 خصیبه چه صورت دارد حج  
 حرام است استعمال آن در وقت  
 ۲ هم ۴ بحصار و رافع حدث نخواهد بود اگر چه  
 کند لیکن اگر مرتکب شود  
 از الله خبث طهارت بان حاصل  
 میشود اگر چه ضامن است  
 سر آبی امتیاز است شستن  
 موضع بول با آب اینج حکم

و شرط است در صحت آن و هم چنین شرط است که جایز التصرف باشد بقصیده که  
 در مکان نماز ذکر شد و جایز نیست نماز در لباس و رخت خصیبه چه پوشاننده  
 عورت باشد چه نباشد بلکه باطل است هرگاه با اختیار و علم بقصید بودن پوشید  
 نباشد پس اگر مجبور شده باشد بر نماز در آن یا علم بقصید نداشته باشد نماز او  
 صحیح است و هم چنین حکم آن هرگاه فراموش نمود با شد غصب بودن آن و جایز است  
 بودن رخت از جمیع منافع مثل پنبه و کتان و غیر آن و هم چنین از پوست حیوان  
 ما کول اللحم یا تذکیه نمودن هر چند دباغی نشده باشد و هم چنین جایز است  
 بودن رخت نماز گذار از لیشم و کورک و موک و پر حیوانا کول اللحم هر چند تذکیه  
 نشده باشد یا از فردی گنده شده باشد و بزرگ کردن واجب است شستن موضعی که  
 رسیده است یا از مرده یا رطوبت و جایز است پوشیدن رختی که از او برخیزد یا سنجار یا بند  
 بلکه هرگاه از پوست هر یک باشد و لکن احوط اجتناب است از نماز در غیر و برخیزد  
 از بزرگ مرد پوشید حریر مزوج با آنچه نماز در آن صحیح باشد هر چند مزوج شده  
 باشد بلکه مادامی که مزوج مفصل نشود بجز آنکه بنا مندا آن حریر و حرامت  
 بر مرد حریر خالص پوشید هر چند در غیر نماز باشد و نماز او باطل است هر چند  
 پوشاننده عورت نباشد و جایز است پوشیدن رختی از سر تا و مخرج که مخالف آن  
 پوشید حریر یا و جایز نیست نماز در آنچه نماز بان تمام نمیشود از رخت مثل کلاه و بند  
 حامد و جوراب و محوآن و جایز است بر زدن حریر شستن و بر زدن پوش حریر سوار  
 شدن و سربند زدن یا حریر بودن و سنجال لباس نمودن و احوط است که از چنانگت  
 متصل نیاد نکنند و مثل سنجاست دمه کلاه و تکمه و منجی که بان رخت صید و زدن  
 و قیطان پراهن و بافته قیطان با و دستمال دست بزرگ باشد و پیراهن با و چه  
 کوچک و جایز پوشید حریر بزرگ از چه در نماز و چه در غیر نماز و جایز نیست

کبر مرد پوشیدن رخت طلا یا فایله که نماز در آن فاسد است و اگر کهنه شود رخت و طلا آن معتبر است و غیر آن کفنا  
 بریزه جایز است پوشیدن آن و حرام است بر مردان کشتن طلا در دست کردن و حرام نیست  
 همراه داشتن طلا در نماز چه سکه دار باشد و چه غیر سکه دار و بر زن حرام نیست  
 طلا پوشیدن و بان نماز کردن و حرام است نماز در پوست میده و فاسد است چه نماز در آن  
 تمام بشود یا نه چه لباس باشد یا غیر لباس و هم چنین جایز نیست نماز و باطل است  
 در پوست غیر ماکول اللحم و در چشم و کورک و مو و پیران بلکه در جمیع فضلات و غیر آن  
 از بول و روت و عرق و آب صهن و نخامه و اشک چشم و استخوان و غیر اینها چه آنکه لباس  
 باشد یا جزه لباس یا غیر لباس حتی یک موی که برخت بچسبد و چه چیزی باشد  
 که تمام شود نماز در آن وجه نشود ولیکن هم از اینها در وقتی است که گوشت داشته  
 باشد که توان خورد و اگر شکر داشته باشد در چنین که آن از ماکول اللحم است یا غیر  
 ماکول اللحم جایز نیست نماز در آن و اگر نماز کرد در جزه غیر ماکول اللحم بفراوانی  
 یا غفلت یا ندانستگی نماز او فاسد است خواه اشتباه در اینکه آن از ماکول اللحم نیست  
 باشد یا در جایز نبود نماز در آن مگر در صورتی که نداند حرمت خورد گوشت آن حیوان  
 و معتقد در آن ندانستن که واجب نیست اعاده نماز مجتهد در  
 مقدار نماز و در آن یک مقدم و چند بابت اما مقلد در اذان و اقامه  
 بدانکه اذان چهار تکبیر بلفظ الله اکبر و دو شهادت توحید بلفظ اشهد ان لا  
 اله الا الله و دو شهادت رسالت بلفظ اشهد ان محمدا رسول الله و شریعه  
 دوی آن بلفظ حی علی الصلوة و حی علی الفلاح و دو دیگر  
 بلفظ علی خیر العمل و علی خیر الدین و در طهیل بلفظ لا اله الا الله و شهادت  
 بر ولایت حضرت امیر ع بجز اذان نیست ولیکن بقصد رجحان خود نمیشد  
 یا بعد از ذکر سو خدا صحت است و اگر بقصد جزئیت بگوید حرام است چنانچه

در استنجاء در مسح باخار و

و

باید وقت گفتن آن یا قبل  
از آن من

بشریک غایب تعدد نکرده باشد  
از محل معناد و اگر تعدد کرده  
نابشد معین است شستن با  
سخت نظر هر دو استنجاء  
با سجاده و نونقاء و پاکت  
اگر چه بیک مرتبه یا زیادتر  
نابشد یا نه بلکه عدد در آن  
معتبر است حج احوط و افوی  
و جوب سه مرتبه است در سج  
با سجاده اگر از آله عین بایست  
شد طهارت حاصل میشود  
و الا مکرر کند تا نقاء حاصل  
شود پس در استنجاء با سجاده  
از آله عین و اثر هر دو لازم  
است یا نه بلکه کفایت میکند  
حج از آله عین حج کفایت  
میکند از آله عین و اثر که  
عبارت از اجزاء و صغیر باشد  
که در محل

سخت و در غیر مسجد معلوم  
حج احوط است و عدم کفایت به یاد سنت است

من استنجاء با سجاده و طهارت حاصل میشود

اگر در اول اذان نیت نماید مجموع را و قصد کند که تمام وظیفه نماز است باطل  
و حرام است و قاهر مثل اذان است مگر آنکه در اول آن دو تکبیر نیت و در آخر  
آن بیک تهلیل نیت و زیاد باید کرد بعد از حی علی خیر العمل و وقت قاست  
پس فصول اذان هجده است و فصول قاهره هیفده و جایز است در هر یک از اذان  
و اقامه اکتفاء نمودن بیک فصل در حال تعجیل و سفر و لیکن اکتفاء نمودن با قاهر  
بهر است از گفتن هر دو زانیک بیک و سنت است اذان و اقامه هر دو در نمازها  
پنجگانه چه اذان باشد چه قضا چه در فراد چه در جماعه در مرد چه در زن  
و کسی که نماز قضا بر وقت او باشد و خواهد چند نماز بکند اذان و اقامه بگوید  
از برای اول نماز از آن چند نماز که بنا دارد در آن وقت بکند و بعد از هر یک بگوید  
مختص است که کفایت کند با قاهر و افضل گفتن اذان و اقامه است در تمام  
و همچنین مختص است در ترک اذان دویم هرگاه جمع کند میان دو نماز واجب  
در حوضه و چه در سفر بلکه در سفر مختص است در گفتن اذان چه جمع کند  
نکند و در غیر اینها از نمازها واجب و سنت است اذان و اقامه نیت لیکن در نماز  
عیدین و نماز آیات و طلب بارش و نماز میت هرگاه بجماعت بشود سنت است در  
بگوید الصلوة و وقت گفتن آن متصل بایستاد بنماز یا بعد از ایستاد و پیش از  
شروع در نماز است و احوط ترک اذان و اکتفاء نمودن با قاهر در مواضع چند مثل  
اذان نماز عصر در روز جمعه خصوصاً هرگاه جمع کند بین الغرضین و همچنین  
اذان عصر روز عرفه از کسی که در عرفات باشد و همچنین از نماز عشاء کسی که  
نماز مغرب عشاء در شهر مجرای بکند و مثل این مواضع آنگاه اذان و اقامه سقوط  
از کسی که وارد شود که نماز جماعت بکند و امام فارغ شده باشد هر چند از اهل  
جماعت بیک نفر یا بی داند باشد در تعقیب چه در مسجد باشد و چه غیر مسجد بلکه

حج احوط است و عدم کفایت به یاد سنت است

هرگاه

هرگاه اراده جماعت کردن را نداشته باشد نیز ساقط است بلکه  
هرگاه امام مشغول نماز باشد و فارغ نشده باشد در نیت نیز سقوط و فرق  
نیت در سقوط اگر اطلاع داشته باشد که در اینجا جماعت میشود یا نداشته باشد  
و بداند عدالت امام را نداند یا بداند متفق امام را ولیکن بداند که نماز جماعت بر او  
مشروع است از تمام مأمومین یا بعضی از ایشان بر وجه صحیح یا آنکه مأمومین مجهول الحال باشند  
که ندانند انعقاد جماعت از ایشان بر وجه صحیح است یا بر وجه فساد و اگر بداند متفق امام  
و آنکه احدی با او محکم نماز نکرده است بر وجه صحیح ساقط نیت اذان و اقامه و شرط  
و حد نماز بلکه هرگاه هر دو نماز متفق باشند مثل ظهر و عصر یا آنکه وقت  
هر دو یکی باشد مثل ظهر و عصر یا مغرب و عشا کفایت میکند در سقوط نیز هرگاه  
داخل شود وقت نماز که حاصل نبود ساقط نمیشود مثل آنکه هرگاه امام نماز عصر را  
کرد و شخص وارد شد که نماز مغرب را بکند ساقط نمیشود اذان و اقامه و فرق نیت  
در آنکه هر دو نماز آداء باشد یا هر دو قضا یا اول دارد و دوم قضا یا اول قضا و دوم  
ادا پس آنچه فرق نیت میان آنکه بداند شخص که وارد میشود که در اینجا جماعت اذان  
اقامه گفته شده یا نداند بلکه کفایت میکند همین قدر که نداند که نکرده اند  
فرق نیت نیز میان آنکه امام و شخص وارد حاضر باشند یا مسافر یا آنکه امام  
باشد و وارد مسافر یا امام مسافر باشد و وارد حاضر و محض نیت نیز سقوط  
بجماعتی که وارد بشوند اول دفعه بلکه ساقط است از هر که وارد بشود سادگی  
که از جماعت اول بعضی بلقیه باشند هر چند جماعتی که دوم وارد شده اند متفرق  
شده باشند و هرگاه زنان وارد شوند بر نماز جماعت مردان ساقط میشود اذان  
و اقامه از ایشان نیز در آنچه ذکر شد سقوط آن از مردان نابالغ و اطفال در نیت و حقیقت  
آن و آنچه معتبر است در آن از قصد و تعیین نمودن در آنچه مشترک باشد  
و قصد نیت گذشت در صیغه و صوء و قصد و نحو در واجب و استحباب و مستحب

ما من یوم

باقی میماند لازم نیست  
استیضای واجب که لازم است  
در آن از اذن تعیین و اثر هر دو  
س یا با طهارت خیره که  
استیضای آن میشود شرحا  
نایدح بلی در نیت آن چه  
بیشتر آن باشد اگر منتهی  
باید س آیه لازم است  
استیضای از عاقبت تعلیه  
نایدح اگر تعدد در شریک  
که از سیم استیضای شود  
احوط دور تر است  
س آیه قضا اگر نیت شود  
تقلید بر مثل قضا است  
مطلوب است بشود بخروش  
از سهرامنا و سوا اطلاق  
س آیه قضا اگر از بالاست  
خارج شود و وارد اینجا  
شود در نیت و حقیقت  
الخرق و مثل استیضای  
همیشه در در حال استیضای

در نیت و حقیقت  
استیضای از عاقبت تعلیه  
نایدح اگر تعدد در شریک  
که از سیم استیضای شود  
احوط دور تر است  
س آیه قضا اگر نیت شود  
تقلید بر مثل قضا است  
مطلوب است بشود بخروش  
از سهرامنا و سوا اطلاق  
س آیه قضا اگر از بالاست  
خارج شود و وارد اینجا  
شود در نیت و حقیقت  
الخرق و مثل استیضای  
همیشه در در حال استیضای

حج احوط اجتناب است اگر  
 ممکن نبود لیکن اظهار آن  
 از قوه نیت مطلق  
 مخرج ملاقات نجاست  
 میشود یا نه حج بلی نجس  
 میشود بجز در ملاقات دیگر  
 آب برقی و بخوان در رکعت  
 ریختن بر چپین نجس و جرم  
 که متصل است بجز و وارد  
 بر نجس در حال ورود بشرط  
 که ورود بطریق نیت باشد  
 یا مخرج شیبه بنیم  
 اگر آب کبر متغیر شود رنگ  
 یا بو یا طعم آن بجاو چیزی  
 در آن که نجاست در آن  
 چینی حلول کرده نجس میشود  
 و اگر سهواً تکیه کند در قیام  
 رکن احوطین بطلان است  
 نایه حج بلی نجس میشود بلی  
 تغیر از نجاست باشد نه از  
 متغیر است آیا شرط است

و اداء در وقت و قضا در غیر وقت و اتمام در حضور و قصر در سفر و غیر از اینها صورت  
 لیکن احوط اعتبار نمودن جمیع آنچه نیت است که ذکر شد و معتبر نیست تلفظ نیت  
 بلکه در نمازها پنجگانه و جمع مکروه آهرا که اقامه گفته باشد وقت نیت اول نماز است  
 و حاصل میشود باینکه در حین شروع تکبیرة الاحرام باینیت باشد و معتبر است استمرار  
 داشتن نیت را تا با آخر نماز و واجب است نیت در جمیع نمازها واجب و شرط است در کون  
 لیکن شرط وجود است باین معنی که ترک نمودن آن نماز باطل میکند چه ترک شود  
 بعمد چه بفراموشی چه ببدانستی و باطل نمیشود نماز بغافل شدن از نیت در بین نماز  
 تا وقت قیام در قیام واجب است ایستادن در نماز واجب خواه یومیه یا باشد و خواه غیر  
 یومیه در حال تکبیرة الاحرام و قیام متصل بر کوع و آن لحزب جز از قیام که از آن  
 بر کوع میرود و در حال قرائت و بعد از کوع هر چند در حال ذکر است باشد  
 در تکبیرة و قیام متصل بر کوع رکعت نیز و مراد بر کون نجاست که ترا در کون  
 باطل کند نماز را هر چند سهواً باشد و شرط صحت است در حال نیت و نیت  
 در حال مندوباً غیر آنچه گذشت باین معنی که میتواند ترک قیام و آن عمل مندوب  
 نه آنکه انعمل بالاشته بکند زیرا که عمل هر چند مستحب است و لیکن قیام شرط صحت  
 است و قیام معتبر در نماز انقضای نیت و تحقق میشود بر است نمودن نیت  
 و باید در حال قیام تکیه نکند بر چیزی بجهت آنکه اگر برداشته شود آنچه بر آن  
 بیفتد و اگر راست نه ایستد باطل میشود نماز چه آنکه بعد باشد و چه بفراموشی  
 و اگر تکیه کند باطل میشود هرگاه عمدتاً چنین نموده باشد و واجب است ایستادن  
 بر دو پا و با هیئت از یکدیگر اینقدر باید دور نکند از یکدیگر که بر سر و در وضو  
 قیام و هم چنین باید استقرار داشته باشد در حال قیام و اگر عاجز شد از ایستادن  
 بدون تکیه کردن بر تکیه کند اگر تواند و اگر عاجز شد از ایستادن در تمام نماز

و قادر باشد بر ایستاد در بعضی آن واجب است ایستاد بقدری که ممکن است او را  
 و اگر مرد شود در میان ایستادن در جنب و پیش و جنب و بعد با ایستاد در جنب پیش  
 و اگر عاجز شود از ایستاد بنشیند در موضعی که عاجز است و معتبر در جواز نشستن  
 نشستن عجز نیست که در وسع خود نریزید آن را و اگر با عاجز بودن ایستاده  
 نماز کرد نماز او باطل است و کفایت میکند در تحقق حج الم شدیدی که سزا  
 باشد مقبل شدن او یا باعث شود زیادتی مرض را یا حادث شدن مرض  
 دیگر را و مظنه کفایت میکند در این مورد و اگر عاجز شود از نشستن ببله  
 تکیه باید تکیه کند و اگر عاجز شود از راست نشستن بنشیند راست  
 ظهر قدری که ممکن است و اگر عاجز شد هر چند با جرت بجا آید و خوابید  
 بر دست راست را مقدم بدارد بر دست چپ اگر تواند و خوابیدن بر دست  
 چپ را مقدم بدارد بر پشت خوابید اگر تواند و در این احوال باید اعتماد بغیر  
 نکند مگر آنکه عاجز شود و احوط تاخیر نماز است از برای ضاعت نماز با آخر  
 وقت خصوصاً با امید بر طرف شدن عذر **باب سیم در تکبیر الاحرام**  
 بدانکه واجب است تکبیر الاحرام و مرکز است در نماز که باطل میشود نماز ترک  
 آن حواء بر وجه عمد باشد یا سهو یا جهل و هم چیز است حکم در هر رکوع  
 و حجر نیست از آن تکبیر رکوع و نه حجریت بلی تکبیر از بر تکبیر الاحرام  
 و رکوع و نه از ماموم در حالیکه برسد نرسید بر رکوع امام را و معتبر است  
 در آن آنچه معتبر است در نماز بر یاد قصد افشاح بان پس اگر شروع تکبیر  
 کند و تمام نشده داخل رکوع شود ماموم یا غیر او یا در بین برخواستن بگوید  
 نماز او باطل است و واجب است تلفظ کردن بتکبیر الاحرام بلفظ الله اکبر  
 بدو و هر که قطع چه بجهت بگوید چه باخفات و اگر اخلال نماید بجزئی از آن نماز

در عدم انفعال آب چاه  
 و چهار کتبه یا پنج لحوط  
 بلکه اقوی در غیر حله آن  
 که ماده داشته باشد حج را  
 بالفعول نداشته باشد مثل  
 آب چشمه و بخوان انفعال  
 قابل نیست بملاقات و کیفیت  
 تطهیر مشرب است که طوری  
 کند که حج را بالفعول تمام کند  
 رساند بسبب پنج یا غیر آن  
 در شرح آب تازه آن باب است  
 سابق  
 بلکه وجوب آن در این صورت  
 خالی از قوه نیست است  
 بجز شدن آن طهارت حاصل  
 میشود پس کتبه شرط نیست  
 در عدم انفعال آن که ماده  
 و جریان بالفعول داشته  
 باشد و هم چنین شرط است  
 کتبه در عدم انفعال  
 چاه چنانچه در کتبه است

آب باران در حکم جاریست  
 یا هیچ احوط اگر بقدر  
 نماند که جاری شود بر زمین  
 در حکم جاری خواهد بود  
 و مجرد ملاقات منقلع  
 و الا منقلع میشود سر اگر  
 قطع شود بارید باران حکم  
 آن آب باریده شده چیت  
 حج حکم آن آب را کد است  
 پس اگر کسی از آن بارید  
 میشود بملاقات نجاست  
 و الا نجس نمیشود مگر بغير  
 احدا و صائتله سر که بحسب  
 وزن و مساحت قدر است  
 حج که هزار و دویست و نعل  
 عراقیت که بحسب تبر  
 هشت عیاسه ظاهر است  
 بیت  
 مگر در بعضی از صور آن  
 و هشت من بقیضه است  
 مثقال میباشد و بحسب  
 من شاه شام زده عیاسه

دلم

باطل است و نیز باطل است اگر بگوید اکبر الله یا بدل کند اکبر یا الله را بلفظی که در  
 معنی با آن یکی باشد یا ترجمه کند آنرا و اگر ممکن نباشد او را تلفظ کردن بتکبیرة  
 الاحرام واجبست یاد گرفتن هر چند با جوت باشد و تاخیر از اول وقت بجهت یاد  
 گرفتن با امکان یاد گرفتن واجبست و اگر ممکن نباشد یا وقت تنگ باشد داخل  
 در نماز میشود یا آنچه مقدور باشد از او اگر اخلال بعضی جزو نماید و اگر هیچ  
 ممکن او نشود اکتفا بر همان کند و اگر چند زبان بداند احوط تقدیم سرفه و  
 غیر آن است بر فارسی و بعد از آن تقدیم فارسی احوط است چنانچه تاخیر  
 تر که نیز احوطست و لال بهر قدر که ممکن میشود او را بگوید و اگر قدرت بر آن  
 هیچ وجه نداشته باشد احوط آنست که در قلب بگذراند آنرا با اشاره بانگشت  
 و حرکت دادن زبان و تحمیر است در هفت تکبیر افتتاحیه هر یک از آن خواهد  
 تکبیرة الاحرام قرار دهد مگر آنکه افضل قرار دادن اخیر است و اگر شک کند  
 در تکبیرة الاحرام پس اگر داخل شده باشد در قرائت التفات نکند و اگر  
 نگذاشته باشد از محل آن بیجا آورد آنرا و هم چنین است حکم در هر فعلی از افعال  
 نماز و اگر شک نماید که تکبیری که گفت تکبیرة الاحرام بود یا تکبیر پیش از رکوع  
 یا تکبیر بعد از رکوع بنا بر این تکبیرة الاحرام گذارد چنانچه اگر شک کند که  
 تکبیر پیش از رکوع است یا تکبیر بعد از رکوع بنا بر اول گذارد نا بجهت  
 در قرائت واجبست قرائت حمد در نماز و نیز خواه منفرد یا امام در هر رکعت  
 از نماز دو رکعتی و در هر یک از دو رکعت اول از نماز سه رکعتی و چهار رکعتی  
 و در هر یک رکعت از هر رکعت نماز آیات چنانچه خواهد آمد و اما معلوم است که  
 برکعت اول امام نرسیده باشد واجبست خواندن حمد از سر او و در دو رکعت اول  
 یا در رکعت اول اگر با دو رکعت آخر یا یک رکعت آخر امام جمع شود و اگر سه رکعت باشد

حکم آنخواهد آمد انشاء الله تعالی و خواندن حمد رکن نیست بلکه جزء واجبیت نماز  
 واجب و شرط صحت در نماز چه در واجب چه در سنت و شرطیت آن در حال نیت است اگر  
 فراموش کند حمد را نماز باطل نمیشود ولیکن اگر هنوز داخل رکوع نشده باشد و بخاطر  
 بیاید بخواند خواه پیش از سوره باشد یا بعد و اگر بعد از سوره باشد حمد بخواند  
 سوره را بعد از آن اتعاده کند و اگر داخل رکوع شده باشد و بخاطرش بیاید چیزی  
 بر او نیت کند و هم چنین اگر چنین بداند که رکعتی که در آن میبشد سیم یا چهارم است  
 و باین جهت ترک نمودن بخاطرش نیامد تا آنکه بر کوع رفت چنانچه اگر پیش از رکوع  
 بخاطرش آمدن در آن کند و اگر شک کند در خواندن حمد و سوره بعد از داخل شدن  
 در رکوع اعتبار ندارد و هم چنین هرگاه شک کند در خواندن حمد بعد از داخل شدن  
 در سوره اعتبار ندارد بلکه اگر شک کند در آیه بعد از داخل شدن در آیه دیگر نیز اعتبار  
 ندارد لکن در ایضاً حوط است که بر کرد و آن آیه را بخواند و معتبر است خواندن حمد  
 بعد از بر وجهی که بتواند رسید و اشکالی نیست در قرائت نافع و این کثیر و آیه عمر و عمار  
 و حمزه و کسا و حوط ترک قرائت بجعفر و یعقوب و خلف و هم چنین باید حر و ذرا  
 از خروج ادا کند و موالات عرفی و ترتیب رصیا آیات و کلمات بجا آورد و بسمله  
 اول حمد باید بخواند و هم چنین در سوره ها قرآن غیر سوره برائت و اگر خلال  
 بلکه کرد و اجنبیت اعاده آنچه پیش از آنست بلکه کفایت میکند آداء تمام کلمه  
 بخلاف آنکه اگر خلال نماید مجز و کلمه باید اعاده نماید کلمه را و هم چنین باید در قرائت  
 مراعات نماید هرگاه و سکنا بنا بر آنست و اگر ای و عرفی را هرگاه وقف نماید و حوط مراعات نمودن  
 حد متصل و ادغام صغیر و مد لازم است و لکن وجوب اینها و غیر اینها از آنچه در  
 نزد قرآن لازم است مشکل است و ظاهر آنست که واجب نیست مگر ادغام در کلمه  
 واحد و آنچه در لغت عرب واجب باشد و حوط ترک وصل نمودن بسکون است بلکه

ظاهراً  
 ثبوت و چهارمین  
 تحقیق بنیت انتقال میباشد  
 و بعد از نیت میباید در سجده و رکوع  
 نشستن من نیت میباید در سجده و رکوع  
 در رکعت و کسوف و غیره  
 است و کسوف و غیره  
 اختلاف داشته باشد  
 در رکوع

مسئله خا از اشکال نیست  
 احتیاط مذکور اثر نکند و آن عامر  
 و آیه مشکوکه را بقصد قرائت  
 مطلقه بخواند نه بقصد قرائت

مگر آنکه مثلاً اتصا داشته  
 باشد بما قبل خود مثل مالک  
 یوم الدین و غیر المغضوب  
 علیهم

حکم بعد از وجوب مشکل  
 در ادغام و مد لازم پس  
 احتیاط مطلوب است

در تحقیق و فقیران



در هر جائی که وقف میکند بقدر نفس کشیدن فاصله نماید هر چند از زم آن نیز مشکل  
 و اگر کسی نتواند تمام حمد را بخواند یا دیگری و اگر ممکن نباشد یا وقت تنگ باشد باید نماز را  
 بکند اگر ممکن باشد و اگر ممکن نباشد احوط است که مشایعت نماید احدی را در خواندن و اگر  
 ممکن نباشد از روی قرآن بخواند اگر تواند و اگر نتواند از حمد آنچه را که میتواند چه بقدر  
 کردن آیه باشد یا بیشتر و واجبست مگر آنقدری که میداند بمقدار حمد و اگر متعدر باشد  
 از غیر آن نماز کند خواندن چنین از حمد بخواند از قرآن آنچه را که میتواند از غیر حمد و اگر  
 آن نیز متعدر باشد احوط است که تهلیل و تکبیر و تسبیح بگوید و واجبست مگر آنکه نماید  
 آنچه را که میداند از تهلیل و تکبیر و تسبیح بمقدار حمد و مدار در مستجاب بودن در دو مقام  
 مرا عا ح و ملفوظ است نه حر و مکتوب و اگر لال باشد بعینل بیاورد آنچه را که ممکن  
 باشد و واجبست بر او نماز جماعت و حرامست گفتن آمین در آخر جمله بلکه حومت آن  
 مطلقا ظاهر و احوطست و در دو رکعت آخر از نماز چهار رکعتی و هر رکعت آخر از سه رکعتی  
 مختیر است در نماز خواندن حمد و تسبیح باین نحو سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله  
 والله اکبر یک دفعه لیکن احوط خواندن آنست سه دفعه و هم چنین احوطست خواندن  
 استغفار در آخر یک مرتبه و کسی که فراموش کرده باشد خواندن حمد در دو رکعت  
 اول احتیاط است که بخواند آن در دو رکعت آخر و لیکن لازم نیست و افضلست  
 تسبیح از حمد چه از برای امام و چه از برای مأموم و چه از برای منفرد و در دو رکعت آخر  
 سو نیت و هم چنین در آن سه نیت بر تقدیر اختیار کردن تسبیح بلکه هرگاه  
 بگوید بقصد اینکه باید گفت حرام است و باید تسبیح را از بر تپه که گذشت بخواند  
 و اگر شک کند در عدد تسبیحات چهار رکعتی که دارد و اگر شروع در تسبیح نمود و تمام  
 نکرد و خواهد برگردد و حمد بخواند جایز است و احوط تر است و جایز نیست در یک  
 رکعت قدر حمد از تسبیح بخواند و لیکن در دو رکعتی حمد و در دو رکعتی تسبیح

اینکه در هر جائی که وقف میکند بقدر نفس کشیدن فاصله نماید هر چند از زم آن نیز مشکل  
 و اگر کسی نتواند تمام حمد را بخواند یا دیگری و اگر ممکن نباشد یا وقت تنگ باشد باید نماز را  
 بکند اگر ممکن باشد و اگر ممکن نباشد احوط است که مشایعت نماید احدی را در خواندن و اگر  
 ممکن نباشد از روی قرآن بخواند اگر تواند و اگر نتواند از حمد آنچه را که میتواند چه بقدر  
 کردن آیه باشد یا بیشتر و واجبست مگر آنقدری که میداند بمقدار حمد و اگر متعدر باشد  
 از غیر آن نماز کند خواندن چنین از حمد بخواند از قرآن آنچه را که میتواند از غیر حمد و اگر  
 آن نیز متعدر باشد احوط است که تهلیل و تکبیر و تسبیح بگوید و واجبست مگر آنکه نماید  
 آنچه را که میداند از تهلیل و تکبیر و تسبیح بمقدار حمد و مدار در مستجاب بودن در دو مقام  
 مرا عا ح و ملفوظ است نه حر و مکتوب و اگر لال باشد بعینل بیاورد آنچه را که ممکن  
 باشد و واجبست بر او نماز جماعت و حرامست گفتن آمین در آخر جمله بلکه حومت آن  
 مطلقا ظاهر و احوطست و در دو رکعت آخر از نماز چهار رکعتی و هر رکعت آخر از سه رکعتی  
 مختیر است در نماز خواندن حمد و تسبیح باین نحو سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله  
 والله اکبر یک دفعه لیکن احوط خواندن آنست سه دفعه و هم چنین احوطست خواندن  
 استغفار در آخر یک مرتبه و کسی که فراموش کرده باشد خواندن حمد در دو رکعت  
 اول احتیاط است که بخواند آن در دو رکعت آخر و لیکن لازم نیست و افضلست  
 تسبیح از حمد چه از برای امام و چه از برای مأموم و چه از برای منفرد و در دو رکعت آخر  
 سو نیت و هم چنین در آن سه نیت بر تقدیر اختیار کردن تسبیح بلکه هرگاه  
 بگوید بقصد اینکه باید گفت حرام است و باید تسبیح را از بر تپه که گذشت بخواند  
 و اگر شک کند در عدد تسبیحات چهار رکعتی که دارد و اگر شروع در تسبیح نمود و تمام  
 نکرد و خواهد برگردد و حمد بخواند جایز است و احوط تر است و جایز نیست در یک  
 رکعت قدر حمد از تسبیح بخواند و لیکن در دو رکعتی حمد و در دو رکعتی تسبیح

این احتیاط را ترک نکند  
 این است  
 بلکه مطلقا است نیز من

بلکه خالی از قوه نیست من  
 تسبیح

عین ندارد و احوط ترک است و واجبست خواندن سوره تمام در نماز دو رکعتی و نیز  
 و در هر یک از دو رکعت اول از نماز چهار رکعتی دو رکعتی با وسعت وقت و امکان یاد گرفتن  
 و واجبست پیش خواندن حمد از سوره و اگر سهوا پیش انداخت سوره بر حمد پس اگر  
 بخاطرش بیاید پیش از رکوع اعاده نماید سوره را و اگر بخاطرش بیاید بعد از داخل شدن  
 در رکوع با چیزی نیت و حرام است در فرضیه خواندن دو سوره در یک رکعت  
 باطل است نماز و همچنین حرام خواندن سوره طولانی را که خواندن آن باعث شود که بعضی از  
 افعال نماز در غیر وقت واقع شود و همچنین حرام خواندن چهار سوره که سجده واجب در آن  
 میباشد که خواهد آمد چه در یومئذ باشد چه غیر یومئذ و اگر سهوا خواند پس اگر متذکر  
 نشد در نماز یا متذکر شد بعد از رکوع با چیزی نیت و نماز او صحیح است و اگر متذکر شد  
 پیش از رکوع و پیش از آنکه سجده قطع کند آن سوره را و سوره دیگری بخواند چه از نصف آن  
 یا نه و اما اگر بعد از فراغ از سوره باشد ظاهر کفایت و جایز نیست سوره دیگری خواندن  
 بلکه اگر پیش از آنکه سجده باشد نیز ظاهر کفایت است و بر هر دو تقدیر سجود تلاوت بعد از فراغ  
 از نماز یکند و احوط علاوه نمودن آن است در نمازین و الضحی و الم نشرح و الم نشرح سوره  
 والفیل و لا یلوف ینر سوره اول بسمه در میاسو و الضحی و الم نشرح و لا یلوف واجبست خواندن  
 و حرام است در نماز عدو نمودن و بر کشتن از سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرین سوره  
 دیگر هر چند از یکی از آن دو بدکیر باشد مگر سوره جمعه و منافقین در نماز جمعه یا نماز ظهر  
 روز جمعه و اما در غیر از سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرین جایز است عدو هرگاه  
 نکرشته باشد از نصف سوره لیکن در نصف احوط تلاوت عدو و واجبست تعیین نمودن  
 سوره را به بسمه در حین شروع در بسمه و واجبست تعیین خود سوره پیش از بسمه  
 اگر عدو نماید از سوره دیگر اعاده بسمه نماید و اگر بدو تعیین سوره شروع نمود  
 و بسمه گفت اعاده کند و اگر گفتا، بان نمود نماز باطل است و واجبست چهار چیز در

از  
 ۲ بک

بالتقاء من برزاد فوجوا بالانشاء  
 آن بر سر بشرط امتناع از هر چه  
 متصل شد با آن بکن بخوبی  
 او یکی باشد بشرط امتناع از هر چه  
 حقیقه و اگر متغیر بچاست باشد  
 زوال آن یکی از این امور مذکور  
 بخوبی مظهر است متغیر نکرده اند  
 طهارت حاصل میشود بشرط طهارت  
 عرف و اما اگر نذات تغییر  
 بشود پاک نمیشود پس در وقت  
 آب یکی بخوبی و دیگری با پاک کردن  
 متصل شود بیکدیگر بر رفع طایل  
 یا بسزاندند آب از فاضل که  
 شایسته است بشود با پیش  
 یا درج بلی پاک میشود بشرط  
 امتناع عرف من آیا تغییر یافت  
 آب که در کعبه و سرک و غلط  
 و نماز که در نمازها بچاست  
 غیر و صائمه رنگ و نور  
 موجب بچاست میشود یا درج  
 موجب بچاست نمیشود هرگاه  
 تغییر در او صائمه کوره از نفس  
 بچاست بنا شد چه صورت دارد  
 ح موجب بچاست نمیشود هرگاه  
 عین بچاست کعبه بلی و یا علم  
 غیر از او صائمه نموده باشد و خود  
 دهد در دو عین او را بچاست



فراموش نمود بر خیزد بصوت رکوع کند تا بر شبر رکوع و رکوع را بجا آورد و اگر قد خم  
 شد و بر تپه رکوع نرسید فراموش نمود رکوع را احوط است که بر کرد تا بر تپه که فراموش  
 نموده بود و اگر بایک رکوع در نماز زیاد کند نماز او باطل است چه در رکوع اول و چه در  
 اندیشیدن آن وجه بقدر تشهید نبیند و اگر شک کند در کردن رکوع و ایستاده باید بکند اگر  
 ایستاده او بینداند که ایستاده از رکوع است یا پیش از رکوع نیز باید رکوع را بکند  
 سجود و اگر داخل شدن آن شک اعتبار ندارد و هرگاه خم شد بجهت سجده کردن و شک کرد  
 که رکوع کرد یا نکرد آن شک نیز اعتبار ندارد و اگر تلافی رکوع را بکند و بظاهرش بیاید  
 در حال رکوع که آن ایجا آورده بوده است باطل است و واجبست در رکوع خم شدن بنحوی  
 که ممکن باشد گذاشتن چیزی از دست را در آن حال برانوی در حالت اختیار و اگر کسی بصوت  
 را که باشد بجهت خلقت یا بسبب ریاضه و نحو آن واجبست اینکه خم شود قدر کمی از بر رکوع و اگر  
 نتواند خم شود بجزوی که ذکر شده هر قدر که او را ممکن است خم شود هر چند بکیه نمودن  
 بجز نباشد یا یکی از دو جا باشد و اگر نتواند خم شود هیچ وجه اشاره کند بسراگر ممکن باشد  
 و اگر ممکن نباشد اشاره کند بدوش و اگر ممکن نباشد بیک چشم و هم چنین واجبست ذکر گفتن  
 و در نیک کردن بقدر گفتن ذکر با قدرت و هم چنین واجبست راست شدن از رکوع بقدر  
 که راست بایستد اگر ممکن نشود راست شد واجبست و هم چنین هرگاه ممکن نشود  
 ذکر گفتن در رکوع واجبست و واجبست در نیک کردن در ایستاده بعد از رکوع و گفتن  
 میکند در آن مستماد نیک کردن در عرف و هیچ یکن از ذکر گفتن و در نیک نمودن در حال  
 ذکر و هرگاه از رکوع و در نیک نمودن بعد از آن رکن نیست تعیین نماید ذکر واجبست هرگاه  
 زان بعد واجبست نظر دارد که بگوید و احوط تعیین است در اول و حکم امور مذکور در  
 سهو مثل حکم است در هاشم و حکم شک در تکیه الاحرام گذشت و کافیست در ذکر  
 رکوع این مرتبه گفتن سبحان تعظیم یا استدفعه گفتن سبحان الله و احوط زیاد کردن

ممکن است گفته شود که اگر از رکوع  
 بعد از رسیدن بعد رکوع باشد  
 آن داخل فراموشی طاعت است  
 است پس احتیاط در صورت آنکه  
 ندارد رکوع نکند و بعد از آن  
 نماز را عاده کند و اگر چنانچه  
 مؤلف فرموده ندارد رکوع کند  
 نیز علاوه نماز کند صحت

احوط ندارد رکوع است  
 با عاده نماز من  
 و مانع از آنست که  
 اعتبار آنست که  
 اگر کسی در رکوع  
 ایستاده باشد  
 و در نیک کردن  
 بقدر گفتن ذکر  
 با قدرت و هم  
 چنین واجبست  
 راست شدن از  
 رکوع بقدر  
 که راست بایستد  
 اگر ممکن نشود  
 ذکر گفتن در  
 رکوع واجبست  
 و واجبست در  
 نیک کردن در  
 ایستاده بعد  
 از رکوع و حکم  
 امور مذکور در  
 سهو مثل حکم  
 است در هاشم  
 و حکم شک در  
 تکیه الاحرام  
 گذشت و کافیست  
 در ذکر رکوع  
 این مرتبه  
 گفتن سبحان  
 تعظیم یا استدفعه  
 گفتن سبحان  
 الله و احوط  
 زیاد کردن

و بجز اینست بعد از سجده بجز العظیم بلکه لحوط از آن سه دفعه گفتن است با وسیع بودن  
 وقت و در حاضر وقت که گفایت میکند بیک سبحان الله واجبست در ذکر مذکور عمره بود و مولاد  
 و آذ آن صورت از خارج طبیعیه مخالفت نکردن در حرکت اعراض و بنا بر واجب ششم  
 در سجود واجبست در هر رکعت از نماز واجبست و سجده و اگر ترک شود در سجده در یک  
 رکعت از نماز باطل میشود نماز خواه بعد باشد یا سه هوی یا جهل و هم چنین باطل میشود  
 نماز هرگاه دو سجده زیاد کند در آن چه بعد باشد یا سه هوی یا جهل و اگر نماز او شکر کند  
 یک سجده یا باطل میشود نماز و اگر بخاطرش بشاید پیش از رکوع که یک سجده را نکرده است  
 هر دو را نکرده است بسجده رود و سجده کند و برخیزد و اگر بخاطرش بپاید در رکوع بپاید  
 از رکوع پس اگر نکرده باشد دو سجده را با هم نماز او باطل است و اگر یک سجده را نکرده باشد  
 نماز او صحیح است و لکن فرایع بعد از نماز واجبست قضا کند سجده را و نیز سجده  
 سهوی بجا آورد ولیکن این در غیر رکعت آخر است و اما در رکعت آخر پس اگر پیش از سلام  
 که بان سلام از نماز بیرون میرود بجا آورد و بعد از آن اعاده کند تشهد را و اگر بعد از  
 سلام بخاطرش آمده باشد قضا نماید و باید اول قضا کند سجده را و بعد از آن سجده  
 سهوی بجا آورد و حکم شک گذشت در باب تکبیره الاحرام اگر شک کند در رکوع  
 و نکرین و اگر شک کند که یک سجده کرد یا دو سجده بنا بر این که گذارد یا که داخل شده  
 در فعل دیگر مثل تشهد یا رکعت شد و اگر داخل شده در فعل دیگر اعتبار ندارد و اگر  
 شک کند در آنکه دو سجده کرده است یا سه سجده اعتبار ندارد چه پیش از داخل شدن  
 در فعل دیگر باشد چه بعد از آن و واجبست خم شود بقدری که مساوی شود موضع  
 پیش با موضع ایستادن یا زیاد تر از قدری که آنکست متصل بلند تر نشود و جایز است  
 نیز با بقدریست بودن موضع پیش از موضع ایستادن و لحوط در این صورت زیاد تر  
 نبودن از آنست و در باقی مواضع سجود ضرر ندارد زیاد تر از این بلند بود یا پایین

وقت نشکند  
 باشد یا نه و در وقت نشکند  
 است که در وقت خالص باشد یا نه بلکه  
 حاصل میشود در وقت خالص  
 و دیگر گفتن  
 میکند در وقت خالص  
 تا این بدین بقیه که از آن که در وقت خالص  
 شود و راه وقت خالص که از آن که در وقت خالص  
 در وقت خالص است و با قضا که در وقت خالص  
 است که گفایت میکند در وقت خالص  
 مثل که در وقت خالص است و با قضا که در وقت خالص  
 حوط با عدم التعلق اعاده  
 نماز است اگر شک در حال تشهد  
 یا در اشک و خواستن باشد  
 در وقت خالص است و با قضا که در وقت خالص  
 در وقت خالص است و با قضا که در وقت خالص  
 در وقت خالص است و با قضا که در وقت خالص  
 در وقت خالص است و با قضا که در وقت خالص

هر چند

هر چند احوط آنست که زیاده بر این نباشد و اگر واقع شود پیش از موضعی که بلند تر باشد  
 از چهار انگشت متصل مخیر است می کشید پیش از آنکه موضعی که بقدر چهار انگشت و کمتر شود  
 یا برداشتن از آن موضع و گذاشتن در موضعی که چنین باشد و اگر واقع شود پیش از چیزی  
 که جایز نباشد سجده بر آن و بلند باشد بقدر چهار انگشت یا کمتر معین است کشیدن  
 پیشانی را تا بموضعی که سجده بر آن جایز نباشد و نیت در خم شدن بسجود بجنوبیت که در  
 رکوع گذشت و هر گاه نتواند که سجده کند واجبست بلند کند موضع سجود را بقدر  
 که ممکن باشد خم شد با نقدر و سجده کند بر آنچه جایز است بر آن سجده کردن اگر ممکن باشد  
 و اگر ممکن نباشد خم شود بقدر که میتواند و اگر خم شد هیچ ممکن نباشد بسراشاره کند و اگر  
 آن نیز ممکن نباشد اشاره کند بچشم و آنهم ممکن نباشد اشاره کند بلب چشم و واجبست  
 داشتن چیزی که بر آن سجده کند هر گاه نتواند خم شود بر دارد و احوط آنست که اشاره در  
 سجود چه بسراشاره چه بچشم بیشتر باشد از اشاره در رکوع و اگر ممکن باشد گذاشتن  
 اعضا بسجود واجبست بگذارد آن عضو را که ممکن است گذاشتن آن و اگر مرد شود میا  
 گذاردن پیشانی و غیر پیشانی را بگذارد و واجبست درها اختیار گذاشتن هفت  
 بر زمین و آن پیشانی و دو کف دست و دو زانو او و انگشت بزرگ از پا که معروف با جهام  
 و کافی است در گذاشتن اعضا مذکوره قدر معنی و قول بعضی بتعیین مقدار در هم در  
 پیشانی و مجموع کفیر ضعیف است و لیکن احوط است و فرق در دو جهام بنیت میا ظاهر و باطن  
 و اطراف و احوط اکثر باطن و اطرافست و باید سکنیه هفت موضع سجده را بر زمین اندازد  
 ندانکه مجزئ گذاشتن کفایت نماید و شرطست در محل پیشانی بودن از چیزها که در باب  
 گذشت و واجبست در سجده ذکر و در ناله کردن بقدر ذکر و برداشتن سر از زمین  
 دو سجده و در ناله کردن در نشستن بعد از برداشتن سر از سجده اول و خلافت در  
 ذکر شیو و مختار در آن و مراعات احتیاط بجنوبیت که در رکوع گذشت مگر آنکه در سجده

آن نیز مثل باطن قدم است حکم  
 رکوع یا نه و هم چنین اگر بدست  
 و زانو مشر نماید چه صورت دارد  
 و حوائش فرسیده با سفل قدم و  
 کفشت که از ظاهر محسوس است  
 چه صورت دارد حج مشی ظاهر  
 قدم و بدست و زانو بودن آن  
 در رکوع این مسئله مذکور است  
 در حکم قدم محل تا قائل است چنانچه  
 جوین حکم فرورده در چیزی  
 کسفت قدم روست و زانو  
 که شده بر احوط اقله میشود و اگر  
 احتیاط محل تا قائل است و رعایت  
 احتیاط طریق سداد و نجات اگر قبول  
 است و احوط است فرورده است  
 دارد و کافش باطن قدم احوط  
 عدم طهارت است سر نعل  
 کفش و نعل چهار پایان و قدم  
 آنها نیز ملحق است حج محل تا قائل  
 است احوط عدم الحاح است  
 سر در نظر هیول زبول و صبیح  
 احوط وضع اطرافست  
 بل کفایت میکند استیلا  
 آب بر آن اگر چه کلاه عدالت  
 نماید لیکن بشرطیکه اگر سدا  
 لیس شیو بوده باشد و غذای  
 دیگر بخوی نبوده باشد که در

کبر در اینجا بد میگردد العظیم زا به اعلیٰ **بَابُ هَفْتَمِ** در تشهد و سلام و دراد و فصل است  
**فصل اول** در تشهد واجب تشهد در هر دو رکعت یک دفعه بعد از رکعت دوم در  
 نماز سه رکعتی و چهار رکعتی دو دفعه بعد از رکعت دوم و یک دفعه بعد از رکعت آخر و در نوافل  
 ست و شرط صحیح است و واجب است نشستن بقدر ذکر واجب هم چنین واجب است قرائت گرفتن در  
 حال ذکر و واجب است در آن شهادتین و صلوات بر پیغمبر و آل آنجناب احوط آنست که  
 چنین بگوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله اللهم صل على محمد  
 و آل محمد و احوط از آن است که چنین بگوید اشهد ان لا اله الا الله و حده لا شريك له  
 و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل على محمد و آل محمد و واجب است در آن مخاطب  
 بر عربیت و ترتیب بر هیچ مذکور و مؤولات یعنی پنج نوبت خواندن و تشهد رکعت نیست پس اگر  
 فراموش کند تشهد اول را و بخاطرش بیاید پیش از رکوع بر کمر و تشهد را بجا آورد  
 و اگر بخاطرش بیاید بعد از داخل بر رکوع نماز را تمام کند و بعد از نماز واجب است قضا  
 کند دو سجده سهو بعد از آن بکند و اما تشهد آخر پس اگر پیش از سلام بخاطرش بیاید  
 که بخوانده آنچه بخواند و اگر بعد از سلام بخاطرش بیا قضا نماید چه حد از وضو مانده باشد  
 یا نه و اگر حد پیش از تشهد یا بعد از شهادتین صادر شود نماز باطل است و فرقی نیست  
 در وجوب سهو میان تشهد اول و دوم بلکه مطلقا واجب است سجده سهو از بعد از قضا  
 نمودن تشهد بکند و حکم شک در تشهد بخویش که گذشت در باب تکبیرة الاخرام فصل  
 دوم در سلام واجب سلام در نماز واجب بلکه جزء نماز است نه خارج از آن و هر وقت  
 میرود هر یک از السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و السلام علیکم و احوط علاوه  
 کردن و رحمة الله وبرکاته است هر چند ظاهر آنست که مستحب است و هم چنین مستحب است  
 علاوه کردن و بر کانه برود رحمة الله و احوط صحیح نمودن میاد و سلام است بر پیغمبر و آل آن  
 تقدیر سلام اول از نماز برود و هر دو دوم ست است و طبیعت آنست که امام و مفسر تسلیم

تشهد در هر دو رکعت یک دفعه بعد از رکعت دوم در نماز سه رکعتی و چهار رکعتی دو دفعه بعد از رکعت دوم و یک دفعه بعد از رکعت آخر و در نوافل ست و شرط صحیح است و واجب است نشستن بقدر ذکر واجب هم چنین واجب است قرائت گرفتن در حال ذکر و واجب است در آن شهادتین و صلوات بر پیغمبر و آل آنجناب احوط آنست که چنین بگوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله اللهم صل على محمد و آل محمد و احوط از آن است که چنین بگوید اشهد ان لا اله الا الله و حده لا شريك له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل على محمد و آل محمد و واجب است در آن مخاطب بر عربیت و ترتیب بر هیچ مذکور و مؤولات یعنی پنج نوبت خواندن و تشهد رکعت نیست پس اگر فراموش کند تشهد اول را و بخاطرش بیاید پیش از رکوع بر کمر و تشهد را بجا آورد و اگر بخاطرش بیاید بعد از داخل بر رکوع نماز را تمام کند و بعد از نماز واجب است قضا کند دو سجده سهو بعد از آن بکند و اما تشهد آخر پس اگر پیش از سلام بخاطرش بیاید که بخوانده آنچه بخواند و اگر بعد از سلام بخاطرش بیا قضا نماید چه حد از وضو مانده باشد یا نه و اگر حد پیش از تشهد یا بعد از شهادتین صادر شود نماز باطل است و فرقی نیست در وجوب سهو میان تشهد اول و دوم بلکه مطلقا واجب است سجده سهو از بعد از قضا نمودن تشهد بکند و حکم شک در تشهد بخویش که گذشت در باب تکبیرة الاخرام فصل دوم در سلام واجب سلام در نماز واجب بلکه جزء نماز است نه خارج از آن و هر وقت میرود هر یک از السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و السلام علیکم و احوط علاوه کردن و رحمة الله وبرکاته است هر چند ظاهر آنست که مستحب است و هم چنین مستحب است علاوه کردن و بر کانه برود رحمة الله و احوط صحیح نمودن میاد و سلام است بر پیغمبر و آل آن تقدیر سلام اول از نماز برود و هر دو دوم ست است و طبیعت آنست که امام و مفسر تسلیم

دویم از بجانب قبله بگویند ولیکن اشاره کند منفرد بکوش چشم از جانب صغیح بچار است و امام اشاره کند بصفتی رو بجانب راست و ماموم نیز بخوبی گوید اگر در جای که آن شخص بنا  
و اگر در جای که شخص بامد یک سلام دیگر است بگوید آن شخص بالغ باشد چه تمیز و بصفتی رو بجانب چپ کند و بعضی دیوار را فایم مقام شخص دانسته اند و گفتن سلام  
یکروز بر این تقدیر نیز بهتر است و اگر ماموم پیش از دو سلام از نماز برود بوقت باشد بسلام  
اول خراج خواهد شد از نماز خاتم در چند چیز که اتمام بشاء آن بسیار آید  
ذکر آن از بشارت الهی است اول در قنوت سنت است قنوت در رکعت دوم از هر نمازی  
شفع و احوط در آن بخوانند و در رکعت اول جمع و عید رمضان و قریان و در رکعت اول  
مکروه آنست در نمازها واجب خصوصاً در نمازها جمعه اذان و لیکن در غیر نماز  
عید رمضان و قریان مستحب است هر رکعتی که قنوت دارد اقامت در نماز دو  
عید در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت چنانچه خواهد آمد  
و محل قنوت در غیر رکعت دویم از نماز جمع پیش از رکوع است و در رکعت دوم از جمعه  
بعلا ز رکوع است و ساقط میشود قنوت از ماموم مسبوق در جماعت اگر سوره دانست  
بخواند و جایز نیست بعد از رکوع خواندن اگر فراموش کند تا رکوع رود بعد  
رکوع بجا آورد چه در نماز جمعه و چه در نمازهای دیگر و در نمازها و چه در  
وجه در غیر آن و اگر بخاطرش بیاید در حاکم شد بر رکوع احوط ترک نمودن آنست و اگر  
بخاطرش بیاید بعد از رفتن بر رکوع یا پیش از رسیدن بر رکوع ولیکن بعد فراموش نماید  
یا بعد از داخل شدن در سجود بخاطرش بیاید یا بعد از فارغ شدن از نماز قضا کند  
از ادره یک از این چند صورت بعد از هر چند بسیار باشد و بهتر وقت باشد  
و بهتر آنست که نشسته قضا کند و رو قبله باشد و شرط نماز در آن معتبر نیست  
هر چند احوط اعتبار آنست و سنت است در قنوت در هر نماز اقامت خواندن چه

<sup>۷</sup> از ظاهر العین باشد و الا مطلقه  
بخر است سر نافه چه صورت  
دارد حج نافه مشک را اگر از آهو  
ناده جدا کند احوط اجتناب است  
سر نافه مشک اگر خرید شود و  
معلوم نباشد که از آهو میزند  
جدا کرده اند یا نه چه صورت دارد  
حج اگر از مسلمان خرید شود حکم  
بطهارت است سرخونی که نطفه  
باشد با آن بیاید در نماز  
و خواندن بقصد مطلق در نماز  
اول است  
در رکعت اول در رکعت اول  
در رکعت دوم در رکعت دوم  
در رکعت سوم در رکعت سوم  
در رکعت چهارم در رکعت چهارم  
در رکعت پنجم در رکعت پنجم  
در رکعت ششم در رکعت ششم  
در رکعت هفتم در رکعت هفتم  
در رکعت هشتم در رکعت هشتم  
در رکعت نهم در رکعت نهم  
در رکعت دهم در رکعت دهم  
در رکعت یازدهم در رکعت یازدهم  
در رکعت بیستم در رکعت بیستم



چهره باشد چه اخفا مکر از بزرگ مأموم مبیوق در حال بود او یا امام و هم چنین است  
 در حال قنوت برداشتن دست را عبادت زود روا که دستها را باز کند و پشت دستها را  
 بر زمین و کف آنها را با هم کند و دست است نظر کردن بر دو دستها و طول دادن در  
 قنوت و خواند دعاهما که وارد شده است مثل کلمات فرج و غیر آن و کلمات فرج افضل آنهاست  
 و آن اینست لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله رب  
 السما السبع ورب الارض السبع وما بينهما وما بينهن ورب العرش العظيم و سلام  
 على المرسلين والحمد لله رب العالمين و جایز است خواندن هر دعا و شانه که در حفظ  
 است باشد چه تسبیح یا تمجید یا طلب چیزی مباحی از امور دنیا و آخرت و جایز نیست قنوت  
 دعا بخار سب و جایز است در جمیع احوال نماز چه بجز بوجه بفرار سب و غیر در تعقیب و  
 آن بسیار و افضل آن بعد از نماز صبح و نماز عصر است و سنت است ابتدا کند در تعقیب نماز  
 های یومیه واجب بلکه نماز واجب بلکه نماز نافله بسمه نوبت الله گوهر کجند احوط  
 اکتفا نمودن بآنست در نماز واجب بلکه نماز های یومیه واجب و در هر نوبت دستها را  
 بردارد بجزو که در تکبیر الا حرام گذشت و بعد از آن بگوید لا اله الا الله وحده  
 وحده واتجر وعده ونصر عبده واعز جنده وغلب الاخر ارب وحده فله الملك له  
 الحمد یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدير و در حدیث است که اقل آنچه کفایت میکند  
 دعا بعد از نماز و نصیحت اینست که بگوید اللهم انی استسألك من کل خاطیبه  
 علمک و اعوذ بک من کل شیء خاطیبه علمک اللهم انی استسألك غافیتک و امور  
 کلها و اعوذ بک من خزی الدنیا و عذاب الآخرة و در بعضی از اخبار در اول آن  
 وارد شده است اللهم صل علی محمد و آل محمد و سنت است تسبیح فاطمه زهراء  
 صلوات الله علیها و آن افضل تعقیبات است و در نماز واجب سنت هر دو سنت است  
 و کیفیت آن باین نحو است که بگوید اول سب و چهار نوبت الله اکبر و بعد از آن سب

انفع  
 بجز در ملاقات  
 نمودن در وقت دستها  
 مثنی باین قنوت  
 است بخار سب و جایز است  
 تسبیح فاطمه زهراء  
 صلوات الله علیها  
 احوط خواندن و سلام علی  
 المرسلین بقصد قرآن  
 است خواندن هر دعا و شانه  
 که در حفظ است باشد  
 چه تسبیح یا تمجید یا طلب  
 چیزی مباحی از امور دنیا  
 و آخرت و جایز نیست  
 قنوت دعا بخار سب و جایز  
 است در جمیع احوال نماز  
 چه بجز بوجه بفرار سب و  
 غیر در تعقیب و آن بسیار  
 و افضل آن بعد از نماز  
 صبح و نماز عصر است و سنت  
 است ابتدا کند در تعقیب  
 نماز های یومیه واجب  
 بلکه نماز نافله بسمه  
 نوبت الله گوهر کجند  
 احوط اکتفا نمودن بآنست  
 در نماز واجب بلکه نماز  
 های یومیه واجب و در هر  
 نوبت دستها را بردارد  
 بجزو که در تکبیر الا حرام  
 گذشت و بعد از آن بگوید  
 لا اله الا الله وحده  
 وحده واتجر وعده ونصر  
 عبده واعز جنده وغلب  
 الاخر ارب وحده فله الملك  
 له الحمد یحیی و یمیت و هو  
 علی کل شیء قدير و در حدیث  
 است که اقل آنچه کفایت  
 میکند دعا بعد از نماز و  
 نصیحت اینست که بگوید  
 اللهم انی استسألك من کل  
 خاطیبه علمک و اعوذ بک  
 من کل شیء خاطیبه علمک  
 اللهم انی استسألك غافیتک  
 و امور کلها و اعوذ بک  
 من خزی الدنیا و عذاب  
 الآخرة و در بعضی از  
 اخبار در اول آن وارد  
 شده است اللهم صل علی  
 محمد و آل محمد و سنت  
 است تسبیح فاطمه زهراء  
 صلوات الله علیها و آن  
 افضل تعقیبات است و در  
 نماز واجب سنت هر دو  
 سنت است و کیفیت آن  
 باین نحو است که بگوید  
 اول سب و چهار نوبت  
 الله اکبر و بعد از آن  
 سب

نوبت الحمد لله و بعد از آن سه مرتبه نوبت سبحان الله و سنت است بعد از فرضیه <sup>۹</sup>  
 سوره قل هو الله خواندن و هم چنین پیش از آنکه بگرداند و یا خود را استدفعه راه  
 استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم ذو الجلال والاكرام و نوبت اليه در  
 است <sup>۹۹</sup> حلیت که بخواند آنرا امر نیده میشود گناهها او هر چند مثل کفر دریا باشد و هم چنین  
 سنت است بعد از نماز صبح و مغرب در هر یک هفت مرتبه بخواند بسم الله الرحمن  
 الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم که باعث دفع هفتاد نوع از انواع بلا  
 میشود پسترها ریج و برض و دیوانگی است و اگر از اشقیاء یا مانند محو میشود و از دیوانگی  
 ایضا نوشته میشود در سعادت و هم چنین سنت است بعد از فرضیه سه دفعه خواندن  
 سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر و آن دفع میکند همدم و غرق شدن  
 و سوختن و افتادن در چاه و خوردن جانوران در تنه و مردن بد و بلیه که در آن روز  
 نازل شود و بعد از نماز قصر سنت خواندن این بجهت جبر شکستگی آن سنت است  
 بعد از نماز صبح ده دفعه خواندن سبحان ربه العظيم و الحمد لله لا حول ولا قوة الا  
 بالله العلي العظيم که عافیت میدبخشد از کوری و دیوانگی و جذام و فقر  
 هر چه و بعد از نماز مغرب بخواند سه دفعه الحمد لله الذي يفعل ما يشاء ولا يفعل  
 ما يشاء غيره که عظام میکند خدایتعا و او را خیر بسیار و بعد از هر نماز بخواند عود  
 بوجه الكريم و عنك التمسك الا ترام و قدرتك التمسك منها شيء من شر  
 الدنيا والاخرة و من شئ الاوجاع كلها که باعث جمع دنیا و آخرت میشود سیر  
 در مسجد منکر و خواب آن بسیار است و سنت مؤکد است بعد از نماز واجب بعد از نماز  
 بجهت منکر برفیق یافتن از برای کردن عبادت و بهتر است که آنرا بعد از تعقیب قرآن  
 دهد و در نماز مغرب بخیر است در میانجا آوردن آن بعد از فرضیه و بعد از نماز  
 و افضل است که بعد از فرضیه بجا آورد و بهتر جمع نمودن میان هر دو است و سنت

۹۹

بیان

و آن اقتضای بابت عین و ماکون  
 در تصرف نماید و هم چنین است  
 اعتقاد بر قول بر مرتبه نسبت به  
 طفل سر آن و بقیه بر خلاف یک  
 دیگر خبر دهند با آنکه اختلاف  
 مابین بینه یاز و الید بامیلان  
 عادل ذوالید واقع شود در  
 طهاره و نجاست تکلیف عینیت  
 رجوع است بحاله سابقه و احوالی  
 اگر علم بحاله سابقه نباشد بعد  
 نیست حکم بظهاره و هم چنین  
 اگر اختلاف در رفع آن واقع شده  
 باشد پیش و نیست حکم میکند  
 برحاله سابقه اگر علم بآن داشته  
 باشد و الا بعد نیست طهاره  
 کیفیت نجس شدن ملاق  
 نجس را بفرمایند حج نجس میشود  
 ملاقه هر نجسه یا نجس است که  
 رطوبت ساریه در آن باشد که  
 تعدد ملاقه نماید و فرقی نیست  
 در میان نجس و صغیر و در اینجا  
 ساریت میکند نجاست اگر چه  
 نجاست جامده باشد بجمیع اجزاء  
 ملاقه مایع مگر اجزای که عالی  
 باشد نسبت بجزء ملاقه در حل  
 سیلان و انزاد بیعالم ساریتی  
 کند اگر چه مضاف باشد ملاقه  
 هر چند احوط با امکان اجتناب

واما در ملاقاتها مدبر نجاست  
 مختص بجزه ملاقات خوانند  
 فایح باشد یا جامد سر اگر دست  
 چوبی یا طریقی بجز نباشد  
 است تقدیر بشود که اگر تحمل  
 شود باین رج بلی باید تقدیر شود  
 که تحمل شود سر چوبی دست باجا  
 با ظرف یا کوشک که مانع از رسیدن  
 آب بجل نباشد یا متابعت  
 محل پاک میشود باین رج بکامل  
 از تطهیر محل نیست بلکه نیت  
 محل پاک میشود سر اگر چوبی یا  
 منقوله نجس شود باید از آن  
 گریز یا جاوی بره یا آب قلیل بر آن  
 بریزد که غسله از آن منفک  
 شود تا ظاهر شود یا نه بلکه  
 بپاشند آب و اوقات نیز کفایت  
 میکند حج لازم نیست بلکه اگر  
 آن آب پاشیده کلا تر شود بعد  
 از آن بافتار بگذاردند تلخشک  
 شود ظاهر میشود سر اگر بربیع  
 یا ماثر مثلا بعد از آنکه در آب  
 بریزد فضله موش پیدا شود  
 قسم تطهیر کند حج اگر فضله  
 نجسیده باشد و آب نجس است  
 نکر که باشد در عمق بربعی  
 ماثر دفع فعل از آن در و بر

لیکن خوانند  
 نجس

لمول بدهد و سجده زاهر قدر که تواند و بگذارد دو ذراع را بر زمین در حال سجود  
 و بکسباند سینه و شکم را بر زمین و بحالک یا زمین بگذارد دو جبین یا دو خد یا هر دو را  
 در سیاد و سجده و یک سجده اگر اکتفاء بان نماید و سنت است مقدم داشتن جبین راست  
 بر جبین چپ و هم چنین خد راست بر خد چپ بگذارد جبین یا خد بر زمین تعداد  
 سجده در این جا محقق میشود بدون سر برداشتن و سنت است محال گذاشتن جبین  
 و خد و خواندن ناعیه که وارد شده آدر سجده و جایز است دعا بغیر آنچه وارد شده  
 وارد شده افضل و اقل مرتبه آن است که سر و  
 شکر الله بگوید و سنت است در سجده شکر بعد از تعلق نماز ظهر صد دفعه شکر الله بگوید  
 و بعد از تعلق نماز عصر صد دفعه حمد الله بگوید و سنت است صد مرتبه شکر ایاة و  
 عفو او سنت است بعد از سر برداشتن مسح کند موضع سجود را پس بعد از آن مسح کند  
 بدست خود رو و سینه خود را و بهتر آنست که بدست راست باشد و سنت است تکبیر بگوید  
 بعد از برداشتن سر از سجده و سنت است وقتی که بیرون میرود از جا نماز از طرف راست بیرون  
 رود چهارم در سجده ها قرآن و آن واجب است در چهار سوره که الم تنزیل و حم فصلت  
 و والجم و اقره باشد و سنت است در سوره اعرا و رعد و بخل و بنی اسرائیل و مریم  
 حج در دو جا و فرقان نمل و ص و اخ السماء انشققت بلکه در شیراز اینها هر جا که در آن  
 امر سجده شده با سنت است و وقت سجده بعد از فارغ شدن از آیه سجده است  
 واجبست بر خواننده آیه و گوش دهند بان در اشکال و بر شنونده بنا بر احوط بلکه  
 و خوب آن خا از قوه نیست هر گاه سجده واجب باشد و اما در سجده مستحب فرق نیست  
 در خواننده و گوش دهند و شنونده و در هیچیک فرق نیست میان دوزن و خفته  
 چنانچه فرق نیست در و خوب سجده بر گوش دهند و شنونده میان آنکه خواننده بالغ  
 بالغ باشد یا غیر بالغ مسلمان باشد یا غیر مسلمان عاقل باشد یا دیوانه و خوب سجده

کرفن



در آنکه نجاست تبعی است و آنست  
 که در آنجا آب باقی نماند و  
 میکند سه مرتبه و اما در کثرت  
 مثل در این دنیا و همچنین  
 مرتبه غسل نماید و غیر منقول  
 است بر آنکه اگر در میان آن  
 بطرفی که همه اطراف آن یک  
 از آن آب غسله را بلبه و طرف  
 پیرون میآورد فاست مرتبه  
 نماید و در هر دفعه لبه و طرف  
 آب غسله را با آب میکشد تا  
 ظاهر نماید یا بظرف ظاهر و  
 دیگر بر آنکه با غسله را  
 بخو که تا آب غسله تمام  
 و اما در مثل فرغش پس از آن  
 عین نجاست در آنجا که قابل  
 عمر و فشرود نیست مثل  
 کلیم و عالیج و امثال اینها  
 با یا بچوب بر آن کشند تا  
 که ممکن است باین انقضالش  
 جدا شود تا دعوتی که انشاء  
 طهارت حاصل میشود  
 مقلد کسی بود که آب غسله را پاک  
 دانست حال مقلد کسی شده  
 که بچوب یا نذر فحش و لباس  
 شخص که مقیم دارد با استعمال  
 غسله در آن نجاست یا نجس  
 ظرف و لباس را باید غسل نمود  
 پس در آن مقلد یکی نقل میکند  
 میکند که آب غسله را پاک نماید

در نماز حکم آن حکم مرد و هرگاه دختر است حکم آن حکم زن است بجز ستم در نمازها  
 واجب و در آن چند بابت با احوال در نماز جمعه و آن دور کفایت و وقت آن  
 از اول زوالست تا آنکه سایه شاخص مثل آن شود هر چند احوط است که تاخیر نشود  
 از زوال زیاد از مقدار اذان و خطبه آنچه از لوازم است از بالا رفتن منبر و پائین آمدن  
 از آن و دعا پیش از نماز و غیر آن و واجب است آن بر هر که بالغ و عاقل و مرد و آزاد و حاضر شود  
 و غیر مبتلا بکوری و بیاد و پیری و هر چیزی که نماز جمعه با آن باعث عسر و حرج باشد لیکن  
 از اینها صحیح نیست هرگاه جامع شرایط صحت باقی فرایض مثل سلام و ایما و غیر آنها نباشند  
 ولیکن در وجوب نماز بر جماعت مذکوره شرط است یافت شدن پیش نماز که بالغ و مرد باشد  
 و هم چنین مؤمن و عادل و قادر بر ایقان نمودن خطبه باشد و ولد الزنا نباشد و هم  
 مبتلا بدیوانگی و جذام و صبر نباشد و اعزای او خسته نگردد نباشد با آنکه آن و مقدور بود  
 آن و بعضی معتبر دانسته اند آزاد بودن و کوری نبودن و مسافر نبودن امام را و آن احوط است  
 هرگاه اما صحیحتر آن باشد و بشرط یافت شدن چهار نفر غیر امام که بالغ و عاقل و آشنای  
 باشند و بعضی علاوه نموده اند که آزاد باشند و مسلمان باشند و آن احوط است و باید که  
 دور نباشند زیاد از دور فرسخ که با اجتماع این شرایط نماز واجب است لیکن کفایت میکنند  
 نماز جمعه در این وقت از نماز ظهر مگر بآنکه جمع شود امور چند که صحت نماز جمعه و وجوب  
 بر آن اول آنکه دو خطبه خوانده شود دقیقاً آنکه مجامعت کرده شود ستم آنکه  
 جمعه دیگر نشود که میآید و جمع مکتب از یک فرسخ باشد چهار مرتبه آنکه مانعی از نماز  
 تقیید بر امام یا عذر انعقاد جمعه بآید و نباشد که اگر نباشد نماز باطل است بجز  
 حاضر بودن امام یا نایب خاص لیکن این شرط در وجوب عیناً در وجوب تخیر  
 و در امثال این زمان وجوب نماز جمعه تخیر است و احوط جمع نمودن میان آن و ظهر است  
 باینکه هر دو را بنیت قربت بعمل یا آورد واجب است پیش داشتن دو خطبه بر نماز و واجب

طهارت در حال خواندن دو خطبه از حد و خبث در بدن و لباس و همچنین واجبست در لباس  
 و مکان خطبه آنچه واجبست در لباس مکان نماز و آن گذشت و همچنین با شرایط نماز  
 قبله و آنچه شرط نبودن آن ذکر میشود و از جمله شرایط نیز داخل شدن زوالست که اگر هر  
 خطبه را یا یکی از آن دو یا جزئی از یکی را پیش از ظهر بخواند باطل است چه عمداً چه سهواً  
 مگر آنکه ممکن نبوده باشد علم بهم رساندن بوقت و عمل بطنه کرده باشد و در این خطبه  
 ظاهر شود که ظهر نبوده است صحیح است آنچه خوانده آید با احتمال قوی و واجبست است  
 در حال خواندن دو خطبه با قدرت بر آن و واجبست که امام و خطیب یکی باشد با  
 چنین مستقر ذاتی است و التفتان کند بالتفات فحش در حال خواندن بدون  
 ضدت که اگر مخالفت بکند نماز امام و نماز هر که از مومنین مطلق شود بر مخالفت باطل  
 و واجبست در هر یک از دو خطبه حمد نمودن بر خبا اقدس الهی بلفظ الحمد بنابر احوط  
 و صلوات بر سادات نیز جاریست بنا بر بلفظ صلوات بنابر احوط و علاوه نمودن  
 شهادت بر رسا از جنابست در خطبه اول هر چند ظاهر است که واجبست و در  
 وصیت نمودن بتقوی و لفظ معتدی در آن ضروریست و کفایت میکند مثل اذقی الله  
 و اطیعوه و واجبست خواندن سوره کوچه در خطبه اول بلکه در هر دو بنابر احوط و  
 اگر سوره بزرگ بخواند کفایت نمیکند و واجبست نشستن در میان دو خطبه نشستن  
 سبکی و بیهوشی است که بقدر خواندن سوره قل هو الله احد بنشیند و در خطبه دوم  
 بر آنچه گذشت واجبست صلوات و نشاندن بر ائمه مسلمین صلوات الله علیهم اجمعین  
 و طلب مغفرت و آمرزش از بزرگ مومنین و مؤمنان و حرام است بر امام تکلم کردن در اثناء  
 خطبه و همچنین بر مومنین و واجبست برایشان گوش دادن بخطبه و بر امام بلند خواندن  
 مجلیتی که عدد انعقاد جمعه بشوند و حرام است در روز جمعه بنابر وجوب سینه نه  
 تخیر می بیع و سفر بعد از اذان و پیش از نماز لیکن بر تقدیر و معامله نمودن اظهر صحت

۲۳ و دیگریم تقلید محقق میکند  
 آنست که ساله را بجزیدند و اینها  
 با هم رفت میکند آیا اجتناب  
 از شخص قبل بر شخص ثانی لازم است  
 یا نه حج اگر آن شخص ثانی علم دارد  
 و بیند شخص اول که اجتناب از عیال  
 میکند اجتناب از اول لازم است  
 سر آنرا و در غده و عنق و کنار  
 و موش که در هم نیاشیده باشند  
 و نفع نکرده باشند بیدار  
 مستحبست که کشید شود  
 حج اگر بقدر ذکر باشد شود  
 مستحبست مس آمان رخ دلا  
 مقدّمه از بزرگ آشیاء مذکور  
 باید بعد از اخراج راه شایسته  
 نایه بلکه اگر در اثناء راه خارج شود  
 موجب بیعت نیست مابقی میکند  
 حج در جمیع اقسام کشید آید  
 بعد از روز نوزدهم سبزه  
 واقع شود بجز در روز جمع  
 هرگاه در کعبه کشید بپوشاند  
 هم کفایت میکند والله العالم  
 ترغالی که از حویب بنحو حاصل  
 شود مجاز است یا نه و همچنین  
 آنکه کل آن بجز نباشد چه نمود  
 دارد حج در زمان از چو بجز  
 احوط اجتناب است و در آجران  
 کل بجز با قوی عدم طهارت

هم چنین است سنک نجس  
 زین نجس اهل کج شود پس  
 یک نجات بجاست قولت  
 زینها سن بخاری که از غیر نجس  
 برین د پاکت با نرج انج از  
 شیاء نجس و مستحب ظاهر است  
 سن اگر یکیمت از شراب در ظرف  
 سرکه شود و سفت دیگر باقی ماند  
 در ظرف با بجز مستحیل مطهر  
 غیر مستحیل هست یا نه و اگر  
 شراب مستحیل نجاست خارج از  
 خود مثل بول و مخوان مستحیل  
 شود لیس که پاک میشود یا نه  
 حج در فرض اول جز مستحیل  
 مطهر غیر مستحیل نیست بلکه  
 مستحیل نیز بسبب نجاست نجس  
 غیر مستحیل نجاست قطعاً  
 و در فرض ثانی نیز بعد از آنجا  
 بجهت نجاسته خارج پاک میشود  
 بنا بر احوط سن بعد از انقضاء  
 آب غسله بجموعه معار و طوبی  
 و آبیکه باقی میماند در معنول  
 پاک است یا نه حج بل با امانت  
 سر نشستن و از اله نمودن خون  
 با بدن موجب تطهیر است یا نه  
 حج نجاست بر طلع خود با امانت

معاملات و کسب که در نیاید خطبه و رکعت اول را جمعه از آن محسوب است اگر در نیاید رکوع  
 رکعت دوم امام را باید رکوع او را در نیاید هر چند ذکر را در نیاید و اگر در نیاید امام را  
 هیچ یک از این دو صورت نیز نماز جمعه از آن محسوب نمیشود و نماز ظهر و عصر بر آن واجب است  
 و احوط اهتمام نمودن در رسیدن به تکبیر رکوع است با امام یا یک عمر در نماز عید  
 رمضان و عید قربان و وقت آن مابین طلوع آفتاب است تا زوال لیکن مستحب است تا غیر  
 آن تا بلند شدن آفتاب و سنتت زیادتی تاخیر کردن نماز در عید رمضان از عید قربان  
 بمقدار افطار کردن و بیرون کردن زکوة فطر و هرگاه وقت نماز گذشت و نکرده قضا ندارد آن  
 واجب است و مشروط است بشرایط نماز یومیه و جمعه بلکه شرط بودن وجود امام یا نایب خاص  
 اینجا ظاهر و بی شک است غیر خواندن دو خطبه که در آن خلافت و اتوری و حویبت  
 و آن دو رکعت است چه آنکه شرایط وجودی حاصل باشد یا نباشد و چه بیجماعت کرده شود  
 چه بفراموشی و کیفیت آن مانند نماز صبح است لیکن در رکعت اول بعد از حمد و سوره پنج  
 تکبیر میگوید و در رکعت دوم چهار تکبیر غیر از تکبیرة الاحرام و تکبیر رکوع و بعد از  
 هر تکبیر به قنوت میخواند که تمام نه قنوت میشود پنج در رکعت اول و چهار در رکعت  
 دوم و ظاهر وجود قنوت و تکبیر است و سنت است خواندن سوره الشمس در رکعت اول  
 و غاشیه در رکعت دوم چنانچه سنت است چهر نمودن در قنوت آن از بر امام و منفرد  
 بهتر است که در قنوت عیدین دعا که وارد شده است مخصوص خوانده شود و از باختلاف  
 در اخبار وارد شده است و هر یک خوب است و اولی اینست اللهم اهل الکبریا و العظما  
 و اهل الجود و الجبروت و اهل العفو و الرحمة و اهل التقوی و المغفرة استلک ما  
 بحق هذا اليوم الذی جعلته لیسلمین عیداً و لمحمد صلی الله علیه و آله ذخراً و لیسلم  
 و مریداً ان مصلی علی محمد و آل محمد و ان تدخلین فی کل خیر اذخلت فی محمد و آل  
 محمد و ان تخرجین من کل سوء اخرجت منه محمد و آل محمد صلو اناک علیه

و علیهم

وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحِينَ وَأَعُوذُ  
 بِكَ بِمَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ وَدُوْخُ خُطْبَةٍ كَهَذَا فِي رَأْسِهَا مِثْلُ حُجْبَةٍ اسْت  
 مَكَرًا نَكْرًا سُرَّوْرًا كَمَا مَامَ ذَكَرْتُكَ فِي خُطْبَةِ عَيْدِ رَمَضَانَ الْمُتَعَلِّقِ بِزَكَاةِ فَمَلَا اسْتِزْهَارًا  
 وَقَدْ رُفِعَتْ وَرَعِيدُ قُرْبَانَ أَيْحَهُ مُتَعَلِّقٌ بِقِرْبَانِ اسْتِزْهَارٍ اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا  
 وَالْجَنَابِ اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا  
 زَمَانَ عَيْدِ مَامَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْجَنَابِ اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا  
 وَمُعْتَبِرِيهِ اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا  
 مَمُودِنَ اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا  
 مَسَافِرٍ وَغُلَامٍ وَمِثَالِ لَيْسَ غَيْرِ زَمَانَ اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا  
 وَهَرَكَ عَيْدِ رُزْزُجْمُهُ اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا  
 اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا  
 كَهَذَا نَزْدِيكَ اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا  
 عَيْدًا وَآخِرَانَ اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا  
 عَيْدًا وَآخِرَانَ اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا  
 بِلَى كَيْبِ اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا  
 ائِنْسْتِ اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا  
 وَدَرَعِيدُ قُرْبَانَ اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا  
 مِّنْ بَهِيْمَةِ الْاَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا اَبْلَا نَا يَا اَبِي سَمِيْرٍ دَرَّ نِمَازُ كَسُوْفٍ وَخَسُوْفٍ  
 وَزَلْزَلِهِ وَبَايَةِ آيَاتٍ وَاجْبُثِيْهُ اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا  
 قَرَصِيْكَرٍ وَجِهَةِ بَعْضِ اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا  
 وَبَسِيْبِ بَابِ اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا اسْتِزْهَارًا

۷۰  
 سر بچو شیدن خون در مرقوب  
 نان ساختن خیر بخش ظهارة  
 حاصل میشود نایب حج طهارت  
 خون بچو شیدن معلوم نیست  
 و اما نان نجاست خود باقی است  
 نس همزوج کردن روعن بچین  
 بآب کر چه صوت دارد حج طهارت  
 حاصل میشود سر اگر بجمعه  
 بودن آب نایب بچو شیدن  
 میت را بقیتم داده با مندمت  
 از او رفع میشود نایب بلکه نجاست  
 بر طحال خود باقیست و مندمت  
 آن موجب غسل میشود نایب حج  
 نجاست از او رفع نمی شود بلکه  
 بجال خود باقی است و مسح  
 نیز موجب غسل است علی الاحوط  
 بلکه هرگاه بجمعه ممکن نشد  
 آنکه مسلم غسل بد کافر  
 بفرماید آن مسلم غسل داده  
 باشد باز نجاست باقیست و در  
 مسح غسل لازم است بلکه غسل  
 اجتناب از میت و غسل کردن  
 سبب منموندن آنست هر  
 سید و کافور یافت نشود  
 هر سه غسل نایب قراح داد  
 باشند اگر چه اظهار عدم نجاست  
 اجتناب عدم لزوم غسل است



مس اگر شمر با تسخیر شود  
 میر که بالذات یا بالعلاج مختل  
 اینکه مگر داخل آن کند و نحو  
 آن طاهر است طایفه و اگر قلیل  
 در کثیر از سر که داخل کنند بنویسد  
 مستطین شود طاهر میشود  
 یا نه حج در صورت استحاله نیز که  
 میشود خود اشکالی نیست در  
 طهارت آن و اما در صورت  
 ژانیه انحوط اجتنابست در  
 صورت بقاء عین و انحوط بلکه  
 اول هر نجاست سر که است در  
 صورت استهلاک قلیل از  
 خرج رکیز از سر که سر اگر کافر  
 اسلام بر آورد نظریه و عینی  
 آن از اشباه و تفصیلا از کافر  
 که در حال کفر بطریق تفریق  
 این مسئله باید ملاحظه شود  
 احتیاط ترک نشود بفعلم مؤمن  
 اگر چه مشهور عدم وجوب است  
 آن مؤمنه باشد نجاست طایفه  
 حج بلی نجاست و باسلام  
 طاهر نمیشود بلکه نجاست  
 پوشیده است اگر در حال کفر  
 نجاست باشد بر طوطی یا غیر  
 باز محکم نجاست است بلکه

از امور که ترساننده اغلب مردم باشد و آن دو رکعت در هر رکعت پنج رکوع و سه  
 سجود است که تمام ده رکعت میشود و در هر رکعت از آن واجبست خواندن تمام حمد اگر  
 در هر رکعت یک سوره تمام بخواند بعد از حمد و هم چنین در هر رکعت که سوره را  
 تمام نماید و در رکعت اول و ششم از آن چه سوره را تمام کند چه نکند و محیر است طین  
 خواندن حمد و سوره تمام و میخواندن حمد در رکعت اول و ششم و تفریق نمودن هر  
 میانزد و سوره را برده رکعت بلکه جایز است تبعض در پنج رکعت بیک سوره و پنج  
 رکعت دیگر پنج سوره خواندن و هم چنین جایز است جمع کردن در یکی از پنج رکعت  
 خواندن تمام سوره و خواندن بعضی آن ولیکن نهایت احتیاط در آنست که در هر رکعت پنج  
 سوره بخواند یا در هر پنج رکعت یک سوره تمام نماید و وقت نماز کسوف و خسوف از اول  
 گرفتن است تا ظاهر شدن تمام قرص لیکن انحوط آنست که مؤخر نماند از وقت شروع در  
 ظاهر شدن و نماز زلزله و باقی امور ترساننده آسمانی تا با آخر عمر آراء است لیکن بعید  
 نیست واجب فوراً و انحوط آنست که تاخیر نشود از وقتی که ممکن است نماز کردن و شرط  
 است در آراء نماز آیات علاوه بر آنچه شرط است در نماز یومیه مطلع شدن بر آیتها  
 چنین شرط است و سعت داشتن وقت بقدر آراء نماز بر وجه اخف و اقل در نماز کسوف  
 و خسوف و در زلزله شرط نیست و واجبست قضا و نماز کسوف و خسوف با گرفتن تمام عرض  
 خواه ترک نموده باشد بعد یا بیهوشی و خواه مطلع شده باشد بر آن یا نشده باشد هرگاه  
 تمام فرصت گرفته باشد اگر علم بهم نرسد بر آن تا وقت آن بیرون رود قضا آن نماز واجبست  
 و اگر علم بهم نرسد در وقت واجبست قضا آن چه ترک بر وجه عمد باشد چه بر وجه سهو  
 و اما باقی آیات پس واجبست اگر علم بهم نرسد بر آن در حال آیت بلکه ترک نکردن آنست  
 مطلقاً خصوصاً زلزله لیکن در قضا بودن آن اشکالست و قول با اداء بود خلل از قضا  
 نیست و هرگاه حاصل شود آیت در وقت نماز یومیه پیش میاید داشت هر یک از آن وقت آن

یا در هر رکعت پنج

تنگت